

غزل شماره ۱۷۶

سحرم دولتِ پیدار به بالین آمد
گفت بر خیز که آن خسرو شیرین آمد

قدحی درکش و سرخوش به تماشا بخرام
تابی نی که عکارت به چه آیین آمد

مزدگانی بده ای خلوتی نافه کشای
که ز صحرای خُشن آهوی مشکین آمد

گریه آبی به رخ سوختن باز آورد

نالہ فریادسِ عاشقِ مسکین آمد

مرغِ دل باز هوادارِ کمان ابرویست

ای کبوترنگران باش که شاهین آمد

ساقیامی بده و غم مخور از دشمن و دوست

که به کامِ دلِ ما آن بشد و این آمد

رسم بدعهدی ایام چو دید ابر بهار

گریه اش بر سمن و سنبل و نسرين آمد

چون صبا کفته حافظ بشنید از بلبل

عبراقشان به تماشای ریاحین آمد

تفسیر فال

بلند شو و با دقت نگاه کن که چگونه دشمنانت در برابر اراده و تلاش‌های تو شکست خورده‌اند و غم‌ها و نگرانی‌های تو به پایان رسیده است. به زودی مالی به دست می‌آید که نه تنها بار مشکلاتت را کاهش می‌دهد، بلکه راهی برای حل چالش‌های پیش رویت فراهم می‌کند. در این لحظه، گرمای خوشبختی را در وجود خود احساس خواهی کرد و همچون تابش آفتاب، ابرهای تیره‌ای که بر آسمان دل تو سایه افکنده بودند، به آرامی کنار می‌روند. این پیروزی نه تنها نشان از موفقیت تو دارد بلکه نویدبخش دوره‌ای جدید از شادی و شکوفایی در زندگی‌ات خواهد بود.

به کوشش : [پارسی دی](#)

منبع تفسیرها: [آلامتو](#) و [سلام دنیا](#)